

«زمین» و «زمان» بهانه‌ای برای تعطیلی کارخانه‌ها / یادداشتی از محسن جلال پور



تورم باعث شده نرخ بازده حاصل از نگهداری دارایی‌ها بیش از بازده حاصل از ایجاد ارزش‌افزوده باشد. در چنین اقتصادی، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در مسکن و مستغلات منطقی‌تر از تولید و کارآفرینی با همه گرفتاری‌هایش است.

صنعتگر

دلسوز و بزرگواری را می‌شناسم که از اواخر دهه ۴۰ تا امروز در کار تولید

بوده و سال‌های طولانی است که در این راه کمر خم کرده و فرد موفق محسوب

می‌شود. گاهی حال و احوالی از هم می‌پرسیم و از زمانی که می‌شناسمش همواره

او را فردی ملی‌گرا و مؤمن و معتقد می‌دانم.

اخیراً شنیدم قصد دارد خط تولیدش را متوقف و زمین کارخانه‌اش را واگذار

کند. پرسوجو کردم؛ بازنشستگی بهانه بود. گفته بود: «می‌خواهم خودم را

خلاص کنم.» گفته بود: «مدتهاست پول کارگران را از محل ساختوساز و فروش

آپارتمان در تهران می‌پردازم و خیلی وقت است به این نتیجه رسیده‌ام که در

کشور ما، تولید خطاست.»

دوستی که برایم خبر را آورد در وصفش گفت: ۵۰

سال عاشق کارش بوده و هر روز ساعت ۵ صبح از خانه بیرون می‌زده و ۱۰ شب به

خانه بر می‌گشته و غیر ممکن است بتواند از کارخانه‌اش دل بکند. خواستند من و

برخی دوستان پا در میانی کنیم که کارخانه را تعطیل نکند.

پرسیدم زمین

کارخانه‌اش کجاست؟ گفتند: فلان‌جاست که این روزها ارزش زیادی پیدا کرده.

یاد جمله آقای مهدی آگاه افتادم که گفته بود: «عمده شرکت‌های ما ورشکسته

هستند فقط زمینی که در آن واقع شده‌اند قیمت زیادی پیدا کرده است.»

گفتم: دنبال دلیل نگردید؛ «زمان» و «زمین» بهترین انگیزه برای تعطیل کردن خط تولید آن کارخانه ایجاد کرده‌اند.

گفتند چطور؟

گفتم: متأسفانه در کشور ما عوامل و دلایل زیادی وجود دارد که انگیزه تولید

و سرمایه‌گذاری را از بین می‌برد و در مقابل انگیزه برای خرید و فروش و

نگهداری دارایی‌ها مثل املاک و مستغلات و ارز و طلا را افزایش می‌دهد. زمانی که پیرمرد تصمیم گرفت کارخانه‌اش را احداث کند، سود و

انگیزه تولید

در اقتصاد ایران بیشتر از خرید و فروش زمین و املاک بود، اما امروز انگیزه و

منفعت تعطیل کردن کارخانه و فروش زمین آن قوی‌تر است.

واضح است که گذر زمان باعث شده نظام فکری پیرمرد کارآفرین تغییر اساسی

کند. ارزشهای ذهنی همه ما در طول زمان ثابت نمی‌ماند و انتخاب‌ها و تصمیم‌های اقتصادی ما از دوره‌ای به دوره دیگر تغییر می‌کند. تصمیمی

که در یک دوره زمانی به عنوان بهترین انتخاب مطرح است؛ الزاماً در دوره‌های بعدی بهترین نیست.

به همین دلیل است که اقتصاددانان نقش سیاستگذاری را در ایجاد انگیزه برای فعالیت اقتصادی سالم بسیار مهم و اساسی میدانند. ساختار سیاسی خوب ساختاری است که توان تنظیم و تدوین سازوکارهای مناسب برای فعالیت سالم کارآفرینان را فراهم کند. درجه خوب بودن حکمرانی در کشورها در قانونگذاری صحیح و سالم‌سازی فضای کسبوکار است و کشوری را می‌توان موفق دانست که بتواند انگیزه‌های تولید را بالا ببرد.

به قول میلتون فریدمن «هنر سیاستگذار ایجاد فضایی است که در آن منفعت افراد نادرست در انجام کار درست باشد. در غیر این صورت حتی افراد درست هم کار خوب را انجام نخواهند داد.»

دهه چهل را دهه طلایی اقتصاد ایران میدانند و در تاریخ معاصر ایران کمتر دوره‌ای شبیه این دوره می‌شناسیم. در فاصله سالهای ۱۳۴۲ تا ۱۳۵۲ میانگین نرخ رشد اقتصادی ۱۱، ۲ درصد و میانگین سالانه نرخ تورم ۲، ۶ درصد بوده است. علاوه بر آن، مهم‌ترین صنایع ایران در همین دوره پایه‌گذاری شدند. دلیل موفقیت سیاستگذار این بود که با سیاستگذاری صحیح، ذی‌نفعان واردات را به ذی‌نفعان تولید تبدیل کرد. برخلاف دوره حاضر که دولت‌های ما ذی‌نفعان تولید را با سیاست‌های نادرست اقتصادی به ذی‌نفعان سفته بازی و قماربازی تبدیل کرده‌اند.

سیاستگذار را باید متوجه کرد به میزانی که اقتصاد به ثبات و پایداری نزدیک شود و محیط کسب و کار مساعد باشد، انگیزه برای سرمایه‌گذاری بلندمدت و تولید و ایجاد ارزش افزوده افزایش می‌یابد و به میزانی که اقتصاد در ورطه بی‌ثباتی و تله تورم مزمن گرفتار شود، انگیزه سرمایه‌گذاری و کارآفرینی از بین می‌رود. در حال حاضر تورم باعث شده نرخ بازده حاصل از نگهداری دارایی‌ها بیش از بازده حاصل از ایجاد ارزش افزوده باشد. در چنین اقتصادی، انگیزه برای سرمایه‌گذاری در مستغلات و خرید و فروش ملک و مسکن منطقی‌تر از تولید و کارآفرینی با همه گرفتاری‌هایش است.